

# گاهی پسرها نیز عامل خشونت بر علیه مادر هستند



عکس: [Sylvain Courant](#)

مددکار اجتماعی - مژگان میر اشرافی

پروین؛ شوهرش دو سالی است که فوت کرده است و نگهداری از ۲ پسر نوجوان و جوانش برعهده اوست. پسرها چند ماهی است که سر "ناسازگاری گذاشته اند. امروز خجالت زده از کبودی زیر چشمش؛ نمی دانست چطور از همکارانش پنهان کند که پسرش برای گرفتن چند "او را زیر مشت و لگد گرفته است. هزارتومانی،

پدیده دردناک خشونت علیه زنان در ابعاد گوناگون جسمانی، روانی و جنسی در سراسر جهان، سلامت جسم و روان زنان را به خطر و حقوق انسانی آنان را مورد تجاوز قرار می دهد. حداقل یک نفر از هر پنج نفر جمعیت مونث دنیا در طول زندگیشان توسط یک یا گروهی از مردان مورد خشونت جسمی یا جنسی قرار می گیرند.

می پیوندد. خشونت خانگی توسط مرد و یا سایر اعضای خانواده خشونت علیه زنان سرپرست خانوار اکثرا در محیط خانوادگی به وقوع علاوه بر ایجاد عوارض جسمی و روحی بلند مدت در قربانی و تهدید کیان خانواده موجب تبعات جبران ناپذیر اجتماعی در سبک زندگی زنان بخصوص زنان سرپرست خانوار می شود.

## یادگیری رفتار خشونت آمیز در نتیجه

به دلیل رفتار خشونت آمیز جدا شده است. او نان آور خانواده ای سه نفره است. دخترش دانشجویست. مهناز چند سالی است که از همسرش " که دارد؛ دختر و گرفتن هر خواسته نامعقولی مهناز می گوید پسرش به شدت خشن شده و برای و پسرش سال آخر دبیرستان است. مهناز از خودش را به باد کتک می گیرد. مهناز می گوید پسرش پر زور است و کاری از او برای جلوگیری از خشونت پسر بر نمی آید. " ترس آبرویش تا به حال به کسی از این جریان حرفی نزده است.

در خصوص خشونت؛ نظریه های متفاوتی وجود دارد که هر کدام به بعضی از عوامل زمینه ساز آن توجه می کنند که از جمله آنها نظریه یادگیری اجتماعی است.

نظریه یادگیری اجتماعی پدیده های یادگیری را عمدتاً ناشی از تجاری می داند که بر پایه یادگیری نیابتی و از طریق مشاهده کسب می بلکه به عنوان رفتاری که آموختنی بوده و دقیقاً از الگوهای یادگیری تبعیت می کند، مطرح می شود و نمی تواند اساس ذاتی داشته باشد. بدر رفتار اغلب از خانواده هایی برآمده اند که خشونت در خانواده آنها یک رفتار معمولی تلقی می شود و خودشان در [1] افراد گردد دوران کودکی مورد خشونت قرار گرفته اند. بطور مثال پسرانی که خود شاهد آزار مادر توسط پدر بوده اند و یا در دوران کودکی توسط مادر و پدر به سختی تنبیه شده اند.

اکثریت زنان سرپرست خانوار نخستین خشونت را از سوی "درباره شروع رفتار خشونت آمیز می گوید: دکتر شهلا اعزازی جامعه شناس، همسر سابق تجربه کرده اند و بیش از نیمی از زنان سرپرست خانوار در هفته اول تا شش ماهه نخست زندگی مشترک خود تحت خشونت بسیاری از کارشناسان براین باورند که زنانی که توسط کودکان به ویژه پسران خود تحت خشونت خانگی [2] "جسمی قرار می گیرند قرار می گیرند در گذشته نیز توسط همسر مورد آزار واقع شده بوده اند.

مجردی پسر ۰۳ مریم معلمی بازنشسته است. او به تازگی به دلیل خشونت همسرش بر علیه او، طلاق گرفته است. تنها سرپناهش خانه" پسرش هر زمانی که مهمان دارد او را از خانه بخشی از اجاره خانه را می پردازد، ساله اش است. مریم می گوید با آنکه او از حقوق خود زن بی عرضه ای بوده است که در این سن و سال سربار او شده است." بیرون می کند و اگر با مقاومت او روبرو شود به او می گوید که

به زنانی « [3] سرپرست خانوار خود سرپرست» زنان سرپرست خانوار اطلاق می شوند. زنان پروین، مهناز و مریم، هر سه بر طبق قانون، اطلاق می شود که مسئولیت تامین معاش زندگی یا اداره خود یا خانواده خود را به طور دائم یا موقت عهده دار هستند.

زنان سرپرست خانواری که در معرض خشونت قرار می گیرند علاوه بر صدمات شدید جسمانی، اثرات روانی جبران ناپذیری از جمله افسردگی مزمن، اختلالات شخصیتی، اضطراب و اختلالات روان تنی را متحمل می شوند. خشونت در زندگی به صورت کلامی یا فیزیکی، تضییع حقوق و زجر روحی و روانی را برای افراد در برداشته و زنان سرپرست خانوار به این دلیل آنکه از نقش انفعالی برای حفظ آبرو، سکوت پیشه می کنند. قربانیان خشونت های مضاعف تری بوده و در مقابل خشونت برخوردارند،

می شود. در جوامع سنتی به صورت تعریف و تمجید در عرف رایج سکوتی که در نهایت به صورت یک فرهنگ خاص برای زنان، سکوت زن سرپرست خانوار در برابر خشونت های اعمال شده نسبت به وی نشانه نجابت زن است و سوختن و ساختن یک ارزش مثبت و از وظایف مادری، تلقی می شود.

در ایران متأسفانه آمار دقیقی از پدیده مصونیت از خشونت زنان سرپرست خانوار که بسیار خاص و حساسیت برانگیز است، وجود ندارد. عدم وجود آمارهای دقیق در این مورد مطالعه این پدیده حساس را با مشکل مواجه ساخته است. عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی درصد زنان سرپرست خانوار را که از اطرافیان و نزدیکان آزار روحی و جسمی با اشاره به نتایج یکی از پژوهشها در این ارتباط؛ [4] ایران ۰۶ درصد اعلام کرده است و میزان شیوع خشونت زنان سرپرست خانوار را بسیار بیشتر از این پدیده در سایر کشورها دانسته/می بیند ۶ است.

آن دسته از آنان که تحت خشونت خانگی هستند، اکثراً در بروی زنان سرپرست خانوار، نشان می دهد که [5] نتایج بسیاری از پژوهشها سبک زندگی شان منزوی و اعتماد به نفس پایین دارند، در ارتباط با دیگران تزلزل و عدم اطمینان نشان می دهند و تمایل بسیار زیادی نیز نشان داده است بیش تر زنان آزار دیده خانه دار هستند و اطلاعات بر اقدام به خودکشی و روی آوردن به مواد مخدر دارند. بسیاری از میزان آزار در زنان شاغل کم تر است که شاید به دلیل استقلال مالی و فعالیت اجتماعی این زنان باشد.

نتایج دیگر تحقیقات در ایران نیز شاهد این امر است که زنان سرپرست خانوار احساس می کنند که با نگرش منفی مردان و زنان جامعه. همچنین آنان در تمامی زمینه ها حمایت های اجتماعی کمتری درخواست و یا دریافت می کنند. با وجود آنکه به نظر [6] روبرو هستند دسترسی به حمایت های اجتماعی و روانی موجب کاهش فشارهای شکننده روحی و روانی می شود. یکی از عوامل عدم می رسد که تابوهای اجتماعی و ترس از نگرش های منفی اطرافیان می باشد. کمک از طرف زنان، درخواست برای دریافت

می توان گفت که شاید بهترین رویکرد حل مسئله در این ارتباط، ابتدا شکستن تابوی اجتماعی و طرح مسئله خشونت خانگی بر علیه زنان بسیاری از آنان به خانواده به دلیل تعلق سرپرست خانوار است. بسیاری از مددکاران اجتماعی در برخورد با این دسته از زنان معتقدند که با فرهنگ سنتی، بیش از سایر گروه های در معرض خشونت نیازمند دریافت حمایت های اطلاعاتی می باشند. هایی

حمایت های اطلاعاتی؛ فراهم کردن اطلاعات درباره موقعیت فشارآور است. مثلاً زنی که طلاق گرفته یا بیوه شده است و تحت خشونت قرار دارد، گاهی دادن اطلاعات به او درباره موسساتی که از این گروه حمایت می کند و چگونگی دریافت این خدمات می تواند اثر مفیدی بر زندگی او و دفاع از حقوق خود داشته باشد.

زنان سرپرست خانوار قربانی خشونت فرزند؛ می بایست بدانند که سکوتشان نه تنها به آنان و فرزندشان کمکی نخواهد کرد بلکه رفتار خشونت آمیز می تواند منجر به عدم موفقیت در سبک زندگی و تحصیلی فرزند عامل خشونت و سایر فرزندان شده و آنها را با انواع آسیب های روانی چون اضطراب، افسردگی و مشکلات عاطفی مواجه می نماید. چنانچه روابط اجتماعی و زندگی فرزندان را به سوی بی اعتمادی سوق می دهد.

بنظر می رسد در دسترس بودن اطلاعات در ارتباط با رویکرد ضد خشونت و موسسات خدمات اجتماعی و نقش هریک از آنان، اولین قدم به سوی تغییر در محیط خانوادگی خشونت آمیز است. در این راستا کلینیک های مددکاری اجتماعی در تمامی شهرها براساس ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی به زنان سرپرست خانوار دستورالعمل دفتر توانمندسازی زنان و خانواده سازمان بهزیستی کشور آماده است.

## منابع:

۱- سازمان بهزیستی کشور، طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار-۱

۲- بدار، لوک (۱۸۳۱) روانشناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، نشر ساوالان

۳- اعزازی، شهلا، (۳۸۳۱) ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۴۱

۴- مجله بامداد 1382/10/12

۵- سبک زندگی و کارکردهای زیستی و روانی خانواده (مصونیت از خشونت)، مجله اجتماعی نیروی انتظامی

۶- بررسی چالشها و مشکلات اجتماعی و روانشناختی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی شهر اصفهان و راهکاره، زیبا طالبی، ۹۸۳۱